



برستیغ تحقیق و دانشوری...

مروری بر پیشینه و مکانت علمی شهید آیت‌الله قاضی طباطبائی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر هاشم هاشم زاده هریسی

سپس داستان زندانی شدن و نحوه شهادت وی را توضیح می‌دهد و می‌گوید شرح کامل آن در تاریخ صفویه آمده است. خواجه غیاث‌الدین خواندمیر، از مورخان نامدار قرن دهم در تاریخ حبیب‌السیر می‌نویسد:

«امیر عبدالوهاب در سلک اجله سادات صاحب سعادت آذربایجان منتظم بود و در زمان سلطان یعقوب به منصب شیخ‌الاسلامی قیام نمود و از علم، فضائل و کمالات بهره‌افر داشت و اهل تقوا و دیانت و متصلب در اجرای احکام شریعت بود. در دوران حکومت شاه اسماعیل از او ترسی بر دل وی افتاد و به هرات هجرت نمود. پادشاه هرات سلطان حسین، مقدم او را گرامی داشت و انعام و عطایای زیاد و شایسته‌ای به او بخشید. بعد از فوت سلطان حسین، دو باره به آذربایجان برگشت و شاه اسماعیل برای رساندن پیامی، او را نزد سلطان سلیم پادشاه روم اعزام نمود و او در سنه ۹۲۱ ه. ق. نزد سلطان سلیم رفت و مورد تکریم و احترام پادشاه روم، سلطان سلیم قرار گرفت.» (۴)

نام این بزرگوار به همین ترتیب در کتاب رجال حبیب‌السیر، ضمیمه مجله یادگار نیز آمده است. (۵)

صاحب ریاض‌العلماء می‌نویسد: «نخست پادشاه روم مقدم او را گرامی داشت، ولی از مراجعت او به تبریز ممانعت نمود و وی را نزد خود نگه داشت و بعد از او را در قعر یک چاه تاریک یعنی در سیاهچالی زندانی نمود و در همان جا به شهادت رسید.» (۶)

علامه بزرگوار حاج آقا بزرگ تهرانی نیز در مستدرکات کتاب و زین‌الذریعه ذکری از آن بزرگوار به عنوان امیر سراج‌الدین عبدالوهاب بن عبدالغفار... حسنی حسینی طباطبائی تبریزی را میان می‌آورد و کتابی به عنوان «التوصیه‌الی‌الولد» را به نام او ثبت می‌کند و سپس می‌نویسد که او به سال ۹۲۷ در زندان سلطان سلیم، پادشاه سفاک عثمانی، در قسطنطنیه به شهادت رسید و این کتاب را در همان زندان نوشت و برای فرزنداناش در تبریز فرستاد. (۷)

علامه امینی نیز این موضوع را تأیید می‌کند و او را یکی از شهدای فضیلت می‌شمارد و در کتاب شهدای فضیلت، فصل مستقلی را برای شرح حال و نحوه شهادت او می‌گشاید و در مقام علمی و شهادت او می‌نویسد: «او که در سیاهچال سلطان سلیم پادشاه عثمانی به افتخار شهادت نائل آمد، از بزرگترین دانشمندان و فقیهان

شهرت به‌سزایی پیدا کرد، خاندان قاضی طباطبائی را در تبریز بنیان نهاد و از آن تاریخ تا کنون که حدود ۸ قرن می‌گذرد، همه حلقات این سلسله طیبه از علمای برجسته و فقهای نامدار بوده‌اند.

شهید قاضی طباطبائی در مقام علمی «امیر عبدالغفار طباطبائی»، سرسلسله خاندان قاضی طباطبائی در تبریز می‌نویسد: «او عالم ربانی و فقیه متبحر و از بزرگان شیعه بوده و علاوه بر علوم دینی در فنون غریبه نیز تبحر به‌سزایی داشت و به او منصب شیخ‌الاسلامی داده شد و در خطه آذربایجان مشغول رتق و فتق امور مسلمین گردید.» (۲)

۲. نورالدین امیر عبدالوهاب

دومین نفر از سلسله این خاندان در تبریز عالم نامداری است به نام «نورالدین یا سراج‌الدین امیر عبدالوهاب»، فرزند امیر عبدالغفار چهاردهمین جد شهید قاضی است که در کتب تاریخ، رجال و تراجم جایگاه والا دارد، چنانکه میرزا عبدالله آقندلی اصفهانی در کتاب ریاض‌العلماء در مقام علمی او می‌نویسد:

خاندان قاضی طباطبائی، خاندانی اصیل و دارای پیشینه روشن و شناخته‌شده‌ای است که ریشه در تاریخ اسلام و پیوند با رسول خدا(ص) دارد و شجره طیبه آن، ریشه‌دار و دارای شاخ و برگ فراوان، پر بار و با برکت و از مصادیق بارز و تفسیر عینی کوثر (۱) است. این خاندان بزرگ شش خصوصیت و ویژگی را در خود گرد آورده است: علم، فضیلت، دیانت، قضاوت، سیادت و شهادت.»

«السید الامیر عبدالوهاب الحسینی التبریزی هو الفاضل العالم العامل الفقیه الكامل جد السادات العبد الوهابیه فی تبریز و صاحب الکرامات و المقامات...» (۳)

«سید امیر عبدالوهاب تبریزی یک عالم با فضیلت فقیه برجسته و جامع و مرد علم، عمل و کمال و سرسلسله سادات عبدالوهابیه تبریز و دارای کمالات و کرامات ویژه و مقامات عالیه بود که در زندان پادشاه عثمانی سلطان سلیم در قسطنطنیه به شهادت رسید.»

خاندان قاضی طباطبائی، خاندانی اصیل و دارای پیشینه روشن و شناخته‌شده‌ای است که ریشه در تاریخ اسلام و پیوند با رسول خدا(ص) دارد و شجره طیبه آن، ریشه‌دار و دارای شاخ و برگ فراوان، پر بار و با برکت و از مصادیق بارز و تفسیر عینی کوثر (۱) است. این خاندان بزرگ شش خصوصیت و ویژگی را در خود گرد آورده است: علم، فضیلت، دیانت، قضاوت، سیادت و شهادت. بسیاری از حلقات این سلسله از عالمان با تقوا و با فضیلتند و چند تن از آنان نیز به فیض شهادت رسیده‌اند؛ بنابراین، علم و فضیلت در این شجره طیبه، موروثی و مهم‌ترین پایه و رکن اصالت این خاندان است.

شجره‌نامه خاندان قاضی طباطبائی در حلقه سید محمدتقی یعنی جد پنجم قاضی سه شاخه می‌شود. از یک شاخه عارف مشهور و استاد عارفان سید علی قاضی طباطبائی و از شاخه دیگر مفسر کبیر: علامه سید محمد حسین قاضی طباطبائی و عارف گمنام، بی‌ادعا و پر محتوا یعنی سید حسن الهی قاضی طباطبائی و از شاخه سوم علامه شهید قاضی طباطبائی قدم به عرصه وجود می‌نهند که همه آنها اعلام و نشانه‌های علم و فضیلت و صاحبان فکر و اندیشه‌اند و جایگاه علمی این خاندان را در دوره معاصر برای ما تفسیر و ترسیم می‌کنند؛ با این همه عالمان، عارفان و فقیهان بی‌شمار که در طول تاریخ به طور عرضی و طولی در خاندان قاضی ظهور و بروز پیدا کرده‌اند، ما نمی‌توانیم مقام علمی این خاندان کوثر را در یک مقال بگنجانیم، زیرا که دریا در پیمانۀ ننگند و در اینجا به عنوان ارائه نمونه‌ها و نشانه‌های علم و فضیلت در این خاندان، فقط به مقام علمی پنج نفر از این سلسله اشاره می‌کنیم:

۱. امیر عبدالغفار طباطبائی

خاندان قاضی طباطبائی ریشه در مدینه‌الرسول دارند که در مدینه سکونت داشتند و در اثر فشار سلاطین جور به ایران مهاجرت کردند و در اصفهان سکونت گزیدند و از آنجا به آذربایجان رفتند. فقیه نامداری از این شجره طیبه به نام «امیر عبدالغفار طباطبائی»، جد پانزدهم شهید قاضی طباطبائی با دعوت «سلطان حسین بیگ آقا قویونلو» معروف به «حسن پادشاه» در قرن هشتم به تبریز آمد و در آنجا رحل اقامت افکند، منصب قاضی‌القضاات و شیخ‌الاسلامی یافت، مشغول رتق و فتق امور مسلمین در خطه آذربایجان گردید،

خطر و علیه آن قیام کردند. بدین ترتیب به رهبری علامه وحید بهبهانی یک نهضت متقابل به نام نهضت اجتهاد و عقل‌گرایی و مبارزه با جمود، تحجر و بدعت اخباری‌گری و قشری‌گرایی آغاز گردید.

فقها و حتی محدثین طرفدار عقل و اجتهاد، مخصوصاً شاگردان نامدار و زیردست علامه وحید بهبهانی در حوزه‌های علمی و در سراسر بلاد اسلامی صلاهی استادشان را شنیدند و دفاع از اجتهاد و عقل‌گرایی را شروع کردند. آقا میرزا محمدتقی قاضی طباطبائی (۱۱) از پیشگامان این نهضت بود که در همراهی و معیت علما و فقهای بزرگ مانند علامه بحرالعلوم شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، صاحب ریاض، میرزای قمی صاحب قوانین، ملامهدی نراقی و میرزا مهدی شهید خراسانی و آقا میرزا شهرستانی و فقهای نامدار دیگر که عده زیادی از آنها از شاگردان زیردست وحید بهبهانی بودند، به یاری و همراهی استادشان به پا خاستند و نهایتاً نهضت اجتهاد و عقل‌گرایی را به پیروزی رساندند و رشد و حرکت اخباری‌گری، جمود و قشری‌گرایی را متوقف نمودند و عقل و اجتهاد را در فقه شیعه احیاء و حاکم ساختند.

در این نهضت مقدس علمی و فکری، میرزا محمد مهدی قاضی طباطبائی، فرزند میرزا محمد تقی قاضی به همراه پدر حضور فعال داشت و این خود از افتخارات این دو عالم مجاهد و مبارز و کلا از امتیازات خاندان قاضی طباطبائی است که از این خاندان دو نفر عالم برجسته در این نهضت مقدس علمی و فکری حضور فعال داشتند و نقش‌افزین بودند و این خود از علائم و نشانه‌های درخشان مقام علمی این عالمان و خاندان شهید قاضی طباطبائی است.

۴. آقا میرزا مهدی قاضی طباطبائی

یکی دیگر از حلقات علمی خاندان قاضی، آقا میرزا محمد مهدی قاضی طباطبائی، جد چهارم شهید قاضی است. او عالم برجسته، فقیه مجاهد و مجتهدی مبارز و مانند پدرش از شاگردان میرزا علامه وحید بهبهانی بود و در نهضت علمی و فکری، عقل و اجتهاد و مبارزه با جمود و اخباری‌گری نقش فعال و حضور موثر داشت. وی یکی از مهدی‌پنجم‌گانه معروف و از قهرمانان این نهضت مقدس است که این خود یکی از نشانه‌ها و شاخصه‌های مقام علمی اوست و ما را از هر سخن



عموم مردم از کوچک و بزرگ از احترام شایسته‌ای برخوردار بود. دارای تالیفاتی است از جمله آنها شرح دعای مصباح مولا علی امیر مؤمنان (ع). مورخ بزرگ عبدالرزاق دنبلی معروف به مفتون در کتاب «تجربۃ الاحرار» تمجید فروان از او نموده است که شایسته آن است» (۱۰)

یکی از افتخارات بزرگ این فقیه مجاهد این است که در نهضت مبارزه با جمود و اخباری‌گری، حضور فعال و مؤثر داشت که داستان آن به‌طور خلاصه چنین است که در اوائل قرن ۱۱ هجری قمری، اندیشه و تفکر اخباری‌گری به‌وسیله محدث معروف محمد امین استرآبادی در میان علماء، حوزه‌های علمی و جامعه تشیع، القاء و نطفه آن متکون شد و به تدریج رشد و گسترش یافت و بالاخره در قرن ۱۲ به صورت یک مسلک نسبتاً پرطرفدار شیوع بیشتری پیدا کرد و به

شیعه است و نبوغ علمی او به زیور پارسایی آراسته است و خصال پسندیده و بزرگواریه را از نیاکان پاکش به میراث برده و در عهد سلطان یعقوب در آذربایجان مقام شیخ‌الاسلامی داشت» (۸)

خاندان قاضی طباطبائی عالمان شهید و شهدای فضیلت زیادی داشته، از جمله امیر عبدالوهاب و میرزا محمد علی قاضی جد هفتم شهید قاضی که هم نام اوست.

۳. آقا میرزا محمد تقی قاضی طباطبائی

یکی دیگر از علمای نامدار و پربرکت این سلسله کوثر، میرزا محمد تقی قاضی طباطبائی، پنجمین جد شهید قاضی طباطبائی است. سلسله نسب علامه طباطبائی و عارف گمنام سید حسن الهی و عارف نامدار سید علی قاضی نیز در این حلقه به هم می‌رسند، یعنی از سلسله خاندان قاضی طباطبائی تبریز تا میرزا محمد تقی قاضی طباطبائی مشترکند و در آنجا از هم جدا می‌شوند. این مرد بزرگ و پرثمر سه فرزند عالم، فاضل و باتقوا داشته است که به سه شاخه تقسیم می‌شوند. از یک شاخه علامه طباطبائی و سید حسن الهی و از شاخه دیگر سید علی قاضی عارف و مشهور و از شاخه سوم شهید قاضی طباطبائی منشعب می‌شوند و قدم به عرصه وجود می‌نهند و به مقام والای علم، فضیلت، فلسفه و عرفان ارتقا می‌یابند. محقق بزرگوار شیخ آقا بزرگ تهرانی در مقام علمی این بزرگوار می‌نویسد:

«السید المیرزا محمد تقی الحسینی القاضی طباطبائی التبریزی من اجلاء العلماء کان من تلامیذ الاستاد الاکبر الوحید البهبهانی...» (۹)

سید میرزا محمد تقی قاضی طباطبائی تبریزی متوفای ۱۲۲ ه.ق، از اکابر و بزرگان علما و از شاگردان برجسته استاد بزرگ وحید بهبهانی است. ایشان از عالم و فقیه بزرگوار شیخ مهدی فتونی نیز اجازه روایت داشت و صاحب ریاض‌الجنه در تمجید وی می‌نویسد:

«او عالم کامل و با فضل و محقق دقیق و باریک‌بین و دارای ذکاوت و هوش سرشار و ذهن جوال و فکر کاوشگر و در علوم و فنون مختلف، ادبیات عرب، فقه، کلام و تفسیر از اطلاعات وسیعی برخوردار بود و در خطه آذربایجان منصب قضا را به عهده داشت. وی از مشاهیر، نخبها و بزرگان این خطه و بیت او محل رجوع و مأمین مردم و محل نزول و تردد رجال و شخصیت‌های بزرگ علمی و سیاسی بود که به تبریز وارد می‌شدند. وی نزد سلاطین و امیران و در میان

دوران تحصیلات، نحوه تحصیلات، حوزه‌های تحصیلاتی، سیر مطالعات و تحقیقات عمیق، وسیع و طولانی، کوشش و تلاش مداوم و بی‌وقفه در کسب فیوضات و کمالات علمی با داشتن همه امکانات، زمینه‌های لازم و استعداد سرشار که از ویژگی‌ها و خصوصیات زندگی آن شهید بزرگوار بوده است.

اوج خود رسید که اعتماد مطلق به هر نوع روایت بدون توجه به صحت و سقم آنها و تعطیل کردن عقل، اجتهاد، اصول و قواعد عقلی در استنباط احکام و توقف در ظواهر اخبار و به‌طور کلی ظاهر‌گرایی، تحجر و جمود در ظواهر الفاظ از خصوصیات این مسلک بود که به عنوان دفاع از اخبار و احادیث اهل بیت و مبارزه با عقل و اجتهاد در استنباط احکام شرع، به صورت یک نهضت و حرکت به راه افتاد و شیوع پیدا نمود. علما و فقهای بزرگ عصر و در راس همه آنان، استاد فقها، وحید عصر، علامه بهبهانی از نفوذ و شیوع این اندیشه و مسلک خطرناک، احساس



آیت‌الله حاج میرزا تقی قاضی بزرگوار شهید آیت‌الله سید محمد علی قاضی طباطبائی

مراجعت کرد و در آنجا ریاست دینی آذربایجان را به دست گرفت. ملجا و پناه عام و خاص و عموم مردم این خطه گردید و من فوت آن عالم بزرگوار را در «مجلة العرفان» خواندم و متأثر و متأسف شدم. او کتاب‌های بسیار نفیسی داشته که فرزند دانشمند و فاضلش میرزا محمدعلی قاضی، فهرست برخی از نسخه‌های آن را برای من فرستاده و من از آنها استفاده کرده، در لابلای کتاب الذریعه آورده‌ام» (۱۴)

۲. دکتر ابوالفتح حکیمیان در کتاب فهرست مشاهیر ایران از انتشارات دانشگاه ملی ایران (دانشگاه شهید بهشتی) اسم این بزرگوار را در لیست مشاهیر و دانشمندان ایران آورده، می‌نویسد که او یکی از اکابر و بزرگان علم و از علمای برجسته امامیه و از شاگردان اساتید بزرگی همچون آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و اساتید بلندپایه حوزه علمیه نجف بوده و تالیفات زیاد و ارزشمندی داشته است که از جمله آنها «حاشیه رسائل، حاشیه ریاض المسائل، حاشیه مکاسب، مخزن القواعد و الدرر و الغرویه است» (۱۵)

۳. سید محسن امینی در اعیان‌الشیعه می‌نویسد: «الحاج میرزا باقر الطباطبائی ولد سنه ۱۳۸۵ فی تبریز و توفی فیها فی شهر رجب سنه ۱۳۶۶ و دفن فی قم کان راس الاسرة الطباطبائیه و من افاضل العلماء...»

حاج میرزا باقر طباطبائی در سال ۱۲۸۵ قمری در تبریز متولد شد و در سال ۱۳۶۶ در ماه رجب وفات یافت و در قم مدفون شد. او سرسلسله خاندان طباطبائی و از بزرگان علم و فضیلت و افاضل علما و دارای تالیفات بسیار است. وی سپس به سیر تحصیلات او در تبریز و نجف و به اساتید او اشاره می‌کند و در پایان می‌نویسد: از او فرزندی به نام محمدعلی قاضی طباطبائی به یادگار مانده است. (۱۶)

۴. صاحب ریحانه‌الادب می‌نویسد:

«حاج میرزا باقر فرزند میرزا محمدعلی قاضی از بزرگان علمای امامیه تبریز و در عصر حاضر ماست که مراتب سامیه (بلند) علمیه با محاسن عمل توأم داشت. در اخلاق فاضله طاق (منحصر به‌فرد) و در صفات حمیده و مکرم پسندیده اجداد طاهرین خود را وارث بلاستحقاق بود و گوی سبقت از دیگران ربوده بود. خلاصه حال سعادت منوال آن جوهر فضل و کمال



می‌دهم از مشایخ و طرق روانی من نقل روایت کند با همان شرایطی که اساتیدم با من کرده‌اند که در علم و عمل و در نقل حدیث، جانب دقت و احتیاط را رعایت کند تا به پرتگاه لغزش و اشتباه نیفتد و دعا در حقم را هرگز فراموش نکند... این اجازه‌نامه در سرزمین کربلا در جوار سیدالشهداء - بر او هزاران درود و ثنا - در تاریخ رجب ۱۱۹۸ ه.ق نوشته شد. (۱۲)

این اجازه‌نامه در ترسیم جایگاه علمی این عالم بزرگوار بسیار رسا و گویاست و احتیاج به هیچ‌گونه تحلیل و توضیح ندارد فقط یک نکته مهم تاریخی در آن نهفته است که به آن اشاره می‌کنم و آن این است: استاد و شاگرد، مجیز و مجاز همنام و هر دو از «مهادی» یعنی مهدی‌های پنجگانه معروف هستند که قبلاً به آن اشاره کردیم که پنج عالم بزرگوار و فقیه نامدار از شاگردان میرزا و معروف کبیر، استاد کل وحید بهبهانی و از یاران و هم‌زمان او در مبارزه با جمود، تحجر و مسلک اخباری‌گری بودند که اسم همه این پنج نفر، مهدی بود که جمع آن «مهادی» می‌شود و در تاریخ نهضت مبارزه با جمود و اخباری‌گری به «مهادی پنجگانه» معروفند: علامه میرزا مهدی شهرستانی، آقا میرزا مهدی قاضی

طباطبائی یعنی همین دو نفر مجاز و مجیز و سه نفر دیگرشان عبارتند از ملامهدی نراقی، آقا سید مهدی طباطبائی معروف به علامه بحرالعلوم و میرزا مهدی شهید خراسانی. (۱۳)

سید میرزا محمدباقر قاضی طباطبائی عالم برجسته و جلیل‌القدر و نویسنده پرتوان است. اساساً خاندان قاضی خاندان علم و فضیلت و از دودمان‌های باسابقه، قدیمی و ریشه‌دار تبریزند. اکثر عالمان و شخصیت‌ها علمی این خاندان دارای مناسب شیخ‌الاسلامی و قضائی بوده‌اند بدین جهت قاضی لقب یافته‌اند، عالمان و فقیهان برجسته و نامداری از این خاندان برخاسته‌اند.

سپس از اساتید این عالم بزرگ و تالیفات وی نام می‌برد می‌گوید: «او بعد از طی مراحل عالییه و کسب فیوضات راقیه در علم و فقاهاست و اخذ اجازات از اساتید و علمای بلند پایه نجف اشرف، بالاخره در تاریخ ۱۳۲۴ به تبریز

دیگری در این مورد بی‌نیاز می‌سازد. در مقام علمی این عالم وارسته فراوان می‌توان سخن گفت، ولی من به عنوان اختصار، علاوه بر موضوع فوق به مورد دیگری

اطلاعات علمی این مرد از عمق فراوانی برخوردار و بر فکر و اندیشه سلیم و قوی و بر مطالعات و تحقیقات وسیع و دقیق استوار و از وسعت، گستره و تنوع زیادی برخوردار بود. او در علوم متنوع و رشته‌های مختلف علمی تبحر و مطالعات وسیع و تحقیقات عمیق داشت. آثار و نشانه‌های همه آنها در نوشته‌های آن مرد بزرگ کاملاً متجلی و نمایان است.

اکتفا می‌کنم که با آن موضوع اول نیز بی‌ارتباط نیست و محک و معیار دیگری در تشخیص مقام علمی این فقیه مجاهد است و آن اجازه‌نامه‌ای است که یکی از فقهای نامدار و مشاهیر علم و عمل در مورد وی صادر نموده و علامه بزرگ دیگری، یعنی مرحوم علامه امینی آن را در کتاب خود نقل کرده است.

علامه میرزا مهدی شهرستانی در فقه، فلسفه، ریاضیات و برخی از علوم دیگر تبحر داشت. او کسی بود که در میان همه فقها و عالمان برجسته عصر خود بر جنازه علامه بحرالعلوم نماز خواند که خارج از رویه معمول اختصاص در اجازات، اجازه‌نامه مفصلی صادر کرده که در ترسیم جایگاه علمی او برای ما کافی است و علامه امینی این اجازه‌نامه را در کتاب وزین خود «شهداء الفضیله» به‌طور کامل آورده است. فزاهایی از آن چنین است:

«... یکی از کسانی که در این علوم و دانش‌ها (فقه، اصول، کلام، تفسیر، قرآن‌شناسی، حدیث‌شناسی یعنی هرآنچه در اجتهاد شرط است) بهره فراوان داشته، سرآمد سادات بزرگوار و شاخسار بوستان بنی‌هاشم، عالم روشن ضمیر، محقق دقیق و تیزبین، دارای ذهن جوال و درک صائب در مسائل و علوم، آقامیرزا مهدی است که خدایش عمر طولانی دهد و عزت و مرتبه بلندش را در میان مردم مستدام بدارد... من به او اجازه





خودستائی امتناع اکید داشت و اصلا حرفی راجع به فضل و کمال و تألیفات خود به زبان نمی‌آورد. (۱۷)

۵. مجله عربی‌العرفان چاپ بیروت، فوت آن عالم برجسته و بزرگوار را با تأسف و تأثر به سمع مسلمین و علمای اسلام در بلاد و کشورهای اسلامی و عربی می‌رساند و در این مورد چنین می‌نویسد:

«علامه حجت‌الاسلام، مصلح بزرگ میرزا باقر مجتهد طباطبائی، بزرگ خاندان طباطبائی تبریز که حقیقتاً از مصلحان شایسته و از علما و مجتهدین برجسته جهان تشیع بود، بدرود حیات گفت.»

چون خبر مجله‌العرفان فراموشی، فرامدگی و بین‌المللی در سطح جهان اسلام و مهم است و از جایگاه علمی بس بلند صاحب‌خبر در سطح جهان

اسلامی حکایت می‌کند، ترجمه آن را در اینجا به‌طور کامل می‌آورم و متن عربی آن را نیز عیناً از مجله‌العرفان به عنوان سند در بخش اسناد ثبت می‌کنم. (۱۸)

مجله‌العرفان در ماه شوال سال ۱۳۶۶ (ه. ق) مطابق ۱۳۶۶ (ه. ش) خبر ضایعه‌ای بر جهان اسلام اعلان نمود و آن فوت عالم برجسته‌ای از جهان اسلام بود:

«لجعلننا می شهر رجب سنه ۱۳۶۶ بوفات زغیم من زعماءالدین و هر العلامة الحجة المصلح العظیم الحاج میرزا باقر المجتهد الطباطبائی رئیس الاسره الطباطبائی فی التبریز...» (۱۹)

در ماه رجب سال ۱۳۶۶ ضایعه بزرگی بر امت اسلام وارد شد و همه ما را سوگوار و غمگین

ساخت و آن ضایعه رحلت علامه حجت و مصلح بزرگ حاج میرزا باقر مجتهد، مشهور به طباطبائی رئیس خاندان طباطبائی تبریز است آن مصلح از دست رفته از علمای بزرگ شیعه و از مجتهدان برجسته آنان بود. شایسته و سزاوار است که شمه و خلاصه‌ای از زندگی علمی و اجتماعی آن عالم بزرگ را در اینجا بیاوریم تا خوانندگان ما او را بهتر بشناسند و به عمق فاجعه فقدان او پی ببرند.

علامه حاج میرزا باقر مجتهد در سال ۱۲۸۵ در تبریز متولد گردید. بعد از اتمام تحصیلات متون عربی و دینی به نجف اشرف هجرت نمود و ۵ سال متوالی در آنجا اقامت گزید و در این مدت در درس و محاضرات میرزای رشتی و دو علامه، ممقانی و شریبانی حضور پیدا کرد تا از اعلام و نشانه‌های علم و فضیلت گردید و به مقام والا و منزلت بلندی از احترام و کرامت نائل

این شهید بزرگوار در عرصه علم و عمل جایگاه بس بلند و درخشانی دارد و در قله قرار گرفته نه در دامنه. گرچه قلم علم و عمل نیز خود بسیار وسیع و مراتب است، ولی شهید قاضی در هر دو عرصه، مراتب و کمالات عالیه را پیموده و با شهادت خود آن را به اوج کمال رسانده است. شهید قاضی طباطبائی یک عالم تک بعدی نیست که فقط درس خوانده و ملا شده باشد، بلکه ذوفنون و ذوابعاد است.

به‌طور اجمال آنکه...»

سپس به شرح حال آن بزرگوار می‌پردازد تا آنجا که می‌گوید:

«او درس اخلاق را در پیش قطب‌العارفین ملاحسینقلی همدانی، فقه اصول و دیگر علوم متداوله را پیش اساتید بزرگ و بلندپایه حوزه علمیه نجف مانند حاج میرزا حبیب‌الله رشتی، فاضل شریبانی، آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، شریعت اصفهانی، شیخ حسن ممقانی و دیگر اجلای علم و مراجع بزرگ علمی تلمذ نمود، از هر بلبلی نوائی شنید و از هر باغی گلی چید و از هر خرمنی توشه‌ای برداشت. رنج‌ها کشید و گنج‌ها برد و در مراتب علمیه و اخلاق فاضله، مشار بالبنان و مغبوط اقران گردید و اجازات کثیره اجتهاد و حدیث از محضر اساتید بزرگ اخذ نمود و با کسب مراتب عالیه و مقامات فائحه علمی به موطن اصلی خود تبریز مراجعت نمود و نزد همه طبقات مردم بسیار محترم بود و حدود چهل سال با کمال احترام و عزت و با ورع، تقوی و شهامت مشغول انجام همه‌گونه وظایف علمیه، دینی، تدریس و رفع مکروهات ملهوفین در انجام حوایج مردم با همه‌گونه وسایل مقتضیه اهتمام به کار برد و تا آخرین لحظه زندگانی خویش حبه و دیناری از وجوهات شرعیه صرف نکرد و با آن همه مراتب سامیه، بسیار حلیم و متواضع بود و از خودآرائی و



شد. علما و اساتید بزرگ حوزه علمیه نجف در عمق دلشان حرمت فراوان و تقدیر شایسته‌ای از او داشتند. در سال ۱۳۱۴ به زادگاه اصلی خود تبریز مراجعت نمود و بعد از چهار سال اقامت در تبریز مجدداً به عراق برگشت و در حلقه‌های درس آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی، شریعت اصفهانی و شیخ محمد باقر اصطهباناتی و حاج رضا همدانی حضور پیدا نمود و به اخذ اجازه‌های اجتهاد از آنان نائل آمد. او در علوم مختلف نبوغ داشت و از اعلام و نخبگان آن علوم و در واقع ذوالفنون بود.

وی در سال ۱۳۲۴ مجدداً به زادگاه خود تبریز برگشت و در طول حیات خود در آنجا اقامت گزید و مشغول نشر و ترویج شعائر و احکام اسلام و تدریس علوم و افاضات علمی و معنوی برای علما، طلاب و مردم آن سامان بود. خدمات شایسته او بر بلندای مقام علمی، سلامت فکری، وسعت اطلاعات و قدرت بیان او دلالت دارد. او علاوه بر مقامات علمی و خدمات دینی، پناهگاه عموم مردم، نیازمندان و دردمندان بود و در تقوا، ورع، اخلاق عالیه انسانی، سلامت نفس و لطافت طبع، شهرت به‌سزا داشت. عالمی خوش‌قلب، خوش‌طبع، خوش‌مشرّب و مجلس‌آرا و دارای تألیفات زیاد بود. و اما زندگی سیاسی و خدمات شایسته اجتماعی او بسیار حجیم و طولانی است که در این سوگنامه نمی‌گنجد. او در ماه رجب سال ۱۳۶۶ در ۸۰ سالگی بدرود حیات گفت و در شهر مقدس قم مدفون شد. روز رحلت او یوم مشهور و تشییع جنازه او با شکوه و تاریخی بود. آن کس که با حریت و آزادگی زیست و به عنوان یک مصلح در مسیر وحدت اسلامی قدم برداشت، هرگز نمی‌میرد، دماغ مرگ را بر زمین می‌مالد و پیوسته زنده و جاودان می‌ماند!

وی در پایان می‌نویسد:

از او فرزندان برومند و جلیل‌القدری به یادگار مانده‌اند. علامه خبیر و آگاه به زمان میرزا محمدعلی قاضی



وی در حدّ توان و اقتضای زمان به رتق و فتق امور طلاب و روحانیت شهر و منطقه، سامان‌دهی امور آنان و حل مشکلاتشان می‌پرداخت.

شهید قاضی در عرصه سیاست، مجاهدات و مبارزات سیاسی نیز سخت فعال بود و بار سنگین فعالیت‌های سیاسی جامعه خود را بر دوش داشت و از دوران طلبگی و تحصیلش این‌چنین تربیت شده و بار آمده بود؛ چنان‌که در سال ۱۳۰۷ و در ۱۵ سالگی در محضر پدر که در قیام تبریز علیه دیکتاتوری و دین‌ستیزی رضاخان به پا خاسته بود، به تهران و سپس به مشهد

نسبت به جعل، دروغ، خرافات و تحریف حقایق و واقعیت‌ها حساسیت شدیدی داشت و برمی‌آشفست و با شجاعت، صراحت و قاطعیت و با برهان و منطق و با اطلاعات وسیع و قلم شیوا، رسا و آتشینی که داشت به مبارزه بی‌امان با آنها برمی‌خاست. از جعلیات، اکاذیب، تحریفات، انحرافات، موهومات و خرافات پرده برمی‌داشت و آنها را رسوا و برملا می‌ساخت.

تبعید شدند و بعد از یک سال تبعید، به تبریز برگشتند. در غیاب آنها خانه‌شان توسط شهردار وقت تخریب شده بود.

او در نجف‌اشرف نیز ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با مرد سیاست و جهاد، علامه کاشف‌الغطا داشت و بعد از مراجعت به تبریز نیز این ارتباط را حفظ کرد. در مبارزات ضداستعماری و ضداستکباری و مبارزه با تحریفات و اختلافات مذهبی و در مسیر تقریب مذاهب و وحدت اسلامی با آن بزرگوار، همراه و هم‌صدا بود و با زبان و قلم در این میدان مجاهدت می‌کرد؛ به همین جهت و با همین روحیات از آغاز انقلاب اسلامی به رهبری استاد محبوب و مرشدش حضرت امام خمینی



در این مدت در دروس خارج فقه و اصول آن بزرگوار نیز حضور یافت تا بالاخره بعد از ۱۰ سال کوشش و فعالیت مداوم در کسب این علوم متعالیه با تأکید استاد و مرشدش آیت‌الله‌العظمی حاجت‌کوه‌کمری در سال ۱۳۲۸ عازم حوزه علمیه نجف‌اشرف گردید و دوره‌های عالیّه دروس خارج فقه و اصول را در این حوزه علمیه کهن در محضر فقها و مراجع بزرگ و اساتید متبحری چون آیات عظام: حکیم سیدحسین بجنوردی، حاج میرزا باقر زنجانی، حاج شیخ عبدالحسین رشتی و دیگر برجستگان علم و فضیلت ادامه داد و به مرتبه عالی فقاہت و اجتهاد نایل آمد و موفق به اخذ اجازه اجتهاد و روایت از اساتیدش گردید. ایشان مخصوصاً با علامه مجاهد و منادی وحدت اسلامی حضرت آیت‌الله‌العظمی شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء ارتباط ویژه‌ای برقرار نمود و از شاگردان مقرب و خواص او شد و مورد توجه و مشمول الطاف خاص او گردید. وی از محضر این عالم مجاهد و برجسته، درس فقاہت و سیاست آموخت و علاوه بر شخصیت علمی و فقهی، شخصیت سیاسی و مبارزاتی او در مکتب این مرد میدان سیاست و فقاہت نضج گرفت که خود داستان طولانی دارد (۲۰).

بالاخره بعد از سه سال اقامت پربار و پربرکت در حوزه علمیه نجف‌اشرف، در سال ۱۳۳۱ به وطن اصلی خود تبریز مراجعت نمود و در آن‌جا رحل اقامت افکند و برگ دیگری از زندگی او ورق خورد. شهید قاضی بعد از مراجعت به تبریز از یک سو به رتق و فتق و حل مشکلات امور دینی و اجتماعی مردم تبریز و آذربایجان پرداخت و از سوی دیگر به فعالیت‌های علمی و به مطالعات و تحقیقات خود به شکل عمیق‌تری ادامه داد و آنچه را که سال‌های متمادی در حوزه‌های علمیه به دست آورده بود، کاربردی کرد و به مرحله اجرا گذاشت و با قلم شیوای فارسی و عربی خود مشغول به تحقیق، تألیف، تعلیق، تصحیح و احیای آثار گران‌بهای علمی بزرگان علم و فضیلت گردید و از این طریق آثار گران‌مایه علمی و تحقیقی زیادی از خود به یادگار گذاشت.

وی همچنین با مجلات علمی و سیاسی معروف جهان اسلام مانند مجلات: «العرفان، الواهب، رساله‌الاسلام و ...» به همکاری پرداخت و مقالات ارزشمندی را از طریق این مجلات و زین عربی در سطح کشورهای اسلامی منتشر ساخت که صدای آن در میان علمای اسلام و اکثر مراکز علمی و دینی پیچید. همچنین با علمای بزرگ جهان اسلام و مراکز علمی مخصوصاً با دانشگاه الازهر مصر ارتباط مکاتباتی را برقرار نمود که در تحکیم وحدت اسلامی و تقریب مذاهب و رفع شبّهات و سوء تفاهمات مذهبی بسیار مفید و سازگار بود.

شهید قاضی کتابخانه غنی و ارزشمندی را که از اجداد بافضیلتش به عنوان میراث عظیم فرهنگی برای وی به یادگار مانده بود، توسعه داد. هم‌اکنون تعداد کتب این کتابخانه به ده‌ها هزار نسخه می‌رسد و برخی از اسناد چاپی و خطی آن کمیاب و یا نایاب و منحصر به فرد هستند. وی در تبریز ملجأ و محور روحانیت منطقه و مرجع رسیدگی به امور طلاب و فضلا و خانه وی هر روز محل تردّد، مراجعه و تجمع علما، طلاب و روحانیت شهر تبریز و بلکه استان آذربایجان بود و



طباطبائی که در شهرت علمی انگشت‌نما و مشارّ بلینان است.

شرح حال اجمالی

علامه شهید قاضی طباطبایی در سال ۱۳۳۱ هجری قمری مطابق با ۱۲۹۳ هجری شمسی در یک خانواده با علم، فضیلت، سیادت و دیانت در شهر تبریز چشم به جهان گشود. در هفت سالگی نزد یک معلم خصوصی و سپس در مکتب‌خانه معمول آن عصر، تحصیلات خود را شروع کرد و از محضر پدر فقیه و بافضیلتش آیت‌الله حاج میرزا باقر قاضی (متوفای ۱۳۶۶ ق) و از عمویش آیت‌الله حاج میرزا اسدالله قاضی (متوفای ۱۳۴۸ ق) بهره گرفت. بعد از آمادگی کامل، وارد مدرسه طالبیه گردید و در آنجا اقامت گزید و از محیط خانه به محیط مدرسه منتقل و ممخّص به تحصیل شد و از جلسات درسی اساتید بزرگ و متبحر آن مدرسه پرشور علمی و مخصوصاً از محضر پدر و عمویش که از مدرّسان عالی‌رتبه آن حوزه علمیه بودند، کسب فیض نمود.

علوم پایه و مقدمات را به پایان برد و دروس سطح و متون عالیّه را تا پایان کفایتین به شرف اتمام رسانید تا بالاخره در سال ۱۳۱۸ در ۲۵ سالگی وارد حوزه علمیه قم گردید. درس کفایتین را در محضر دو آیت بزرگ یعنی نجفی و گلپایگانی کامل نمود و دروس خارج فقه و اصول را در محضر آیت‌الله‌العظمی حاجت‌کوه‌کمری و مراجع بزرگ وقت شروع کرد و درس فلسفه و علوم عقلی را در محضر استاد فلسفه، اخلاق و عرفان یعنی حضرت امام خمینی تلمذ نمود و در جلسه درس فلسفه آن بزرگوار که در خانه خود برای برخی شاگردان خاص خود و به‌طور خصوصی تشکیل داده بود، شرکت کرد. این درس ۴ سال متوالی ادامه داشت.



شخصیت واقعی این شهید والامقام را تشکیل می‌دهد و شهادت نیز مکمل و زینت بخش آن است، ولی چون سخن گفتن در هر دو عرصه علم و عمل در مجال کوتاه این مقال نمی‌گنجد، ما در اینجا فقط به مقام علمی این شهید بزرگوار می‌پردازیم.

مقام علمی آیت‌الله قاضی طباطبایی ویژگی‌های خاص خود را دارد و ریشه‌دار و برخوردار از همه بسترها و زمینه‌های علم و اندیشه است، زیرا او در خاندان علم و فضیلت پرورش یافته و از شاخ و برگ‌های پربرابر شجره طیبه علم و تقواست. علم و فضیلت برای او یک امر موروثی بوده است و به علت سیادت، دیانت و صفای باطنی این خاندان پاک، علم برای آنها یک امر اعطائی، اشراقی و فیض الهی بوده است. در عین حال خود وی نیز از ذوق و استعداد سرشار و ذاتی و عشق و علاقه وافر برخوردار بوده است و کوشش و تلاش بی‌وقفه و بی‌دریغ در کسب علم و کمال داشته، رنج‌های فراوان برده، سفرها کرده، حوزه‌های مختلف علمی را دیده، در حلقات درس اساتید بزرگ و دانشمندان زیادی نشسته و از هر خرمنی توشه‌ای برداشته و از هر گلستانی گلی چیده و در نتیجه به درجه عالی و به مرتبه بلندی از علم و کمالات نائل آمده و از اعلام و نشانه‌های شاخص علم و فقاقت گردیده است تا آنجا که استاد و آوازه شیخ محمد حسن کاشف‌الغطاء با آن عظمت و آوازه جهانی و علما و مراجع بزرگ دیگری چون آیت‌الله العظمی میلانی به او لقب «علامه» داده‌اند. جایگاه او در علم و کمال به قدری بلند و درخشان است که حتی مخالفانش هم نمی‌توانند انکار کنند و یا نادیده انگارند. آنچه گفته شد حرف و تعارف و یا صرف توصیف و تمجید نیست، بلکه حقیقتی است عیان که اسناد و نشانه‌های عینی دارد.

اسناد و نشانه‌های علمی

مقام و مراتب علمی علامه شهید قاضی طباطبایی را می‌توان با معیارهای زیر ارزیابی کرد و به بلندی آن دست یافت. من در اینجا جهت اختصار، از شرح و توضیح آنها خودداری و فقط به محورهای کلیات آن اشاره می‌کنم:

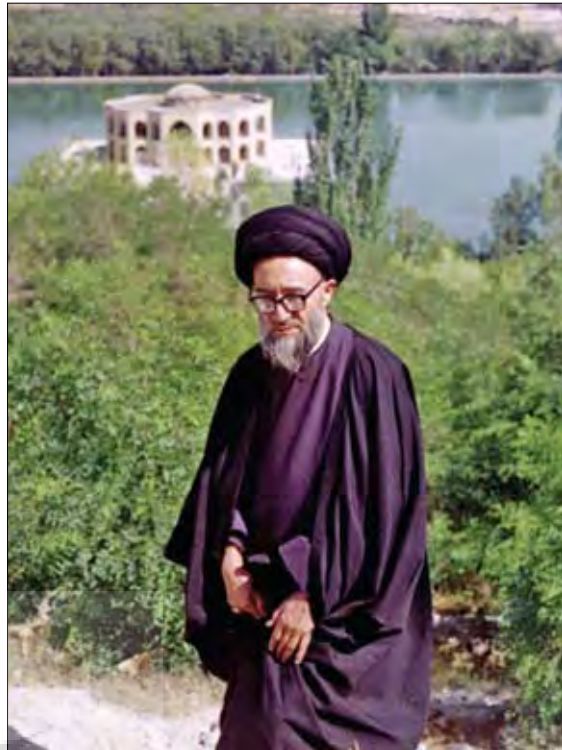
۱. دوران تحصیلات، نحوه تحصیلات، حوزه‌های تحصیلاتی، سیر مطالعات و تحقیقات عمیق، وسیع و طولانی، کوشش و تلاش مداوم و بی‌وقفه در کسب فیوضات و کمالات علمی با داشتن همه امکانات، زمینه‌های لازم و استعداد سرشار که از ویژگی‌ها و خصوصیات زندگی آن شهید بزرگوار بوده است.
۲. حضور در جلسات و حلقات درسی علما و فقهای بلندپایه و مراجع برگ و سرشناس و اساتید متبحر و متنوع مانند: آیات عظام امام خمینی، حکیم، خوئی، شاهرودی، بجنوردی، کاشف‌الغطاء، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا باقر زنجانی، بروجردی، حجت کوه‌کمری، صدرالدین، گلپایگانی، نجفی مرعشی و دیگر علما و دانشمندان طراز اول جهان تشیع در حوزه‌های مختلف تبریز، قم، مشهد و نجف و در رشته‌های مختلف علمی با سبک‌ها و روش‌های مختلف درسی و مبانی متنوع علمی و فکری و آشنایی با همه این سبک‌ها، اسلوب‌ها و روش‌های مختلف و با مبانی، نظرات و دیدگاه‌های متنوع، از ویژگی‌های تحصیلاتی مطالعاتی و تحقیقاتی این شهید بزرگوار بوده است.
۳. اجازات مختلف بالغ بر ۲۰ مورد از مراجع و فقهای بزرگ و مشهور جهان تشیع اعم از اجازات اجتهاد، اجازات روایت و وکالت‌های امور حسبی و در راس همه آنها اجازات و نمایندگی حضرت امام خمینی

ویژه‌ای برخوردارند. یکی از آنان به نام سید محمدتقی قاضی طباطبایی هم‌اکنون جایگزین پدر و ادامه‌دهنده راه اجداد عالم و دانشمندش و مشعل‌دار چراغ علم و فضیلت در خاندان قاضی طباطبایی است تا چراغ علم، دانش و تقوا در این خاندان پیوسته فروزان بماند. در پایان این بحث به این نکته نیز باید توجه شود که زندگانی ۶۵ ساله شهید قاضی طباطبایی بسیار پر بار، پرحادثه، آموزنده و طولانی است و کتاب‌های زیادی در شرح حال وی به نگارش درآمده است، ولی چون موضوع بحث ما در این کتاب صرفاً مقام علمی شهید قاضی طباطبایی است، در شرح حال این شهید بزرگوار به خلاصه و کلیاتی از زندگی او اکتفا می‌کنیم تا مقدمه و زمینه‌ای باشد بر تبیین و ترسیم مقام علمی این عالم شهید و والامقام.

ریشه‌ها، بسترها و زمینه‌ها

چنانکه گفتیم جایگاه علمی شهید قاضی طباطبایی در دو فصل قابل بررسی است: یکی مقام علمی خاندان شهید قاضی طباطبایی که این بزرگوار در چه بستر علمی متولد شده و نشو‌نما کرده است و در آغوش علم، فضیلت و تقوا پرورش یافته و تربیت شده است. در واقع علم و فضیلت در این خاندان یک امر موروثی و ریشه‌دار است که در این مورد به اجمال سخن گفتیم و پنج شخصیت از قهرمانان علم و عمل در این خاندان را به عنوان نمونه نشان دادیم.

فصل دیگر جایگاه علمی خود شهید قاضی طباطبایی است. این شهید بزرگوار در عرصه علم و عمل جایگاه بس بلند و درخشانی دارد و در قله قرار گرفته نه در



در سال ۱۳۴۱ به عنوان محور مبارزات سیاسی در تبریز و آذربایجان به رهبری انقلاب پیوست و عملاً نمایندگی، رهبری و هدایت انقلاب و مبارزات سیاسی را در منطقه بر دوش گرفت و در این راه زجرها کشید و متحمل مشقات زیاد روحی و جسمی گردید. او بارها از طرف حکومت طاغوت به زندان، حبس، تبعید به عراق و نقاط مختلف کشور محکوم شد تا بالاخره در سال ۱۳۴۶ رسماً و کتاباً بر اساس حکم نمایندگی حضرت امام، رهبری انقلاب را در استان آذربایجان دریافت نمود. از آن تاریخ مسئولیت بزرگ و بار سنگین دیگری بر دوش او نهاده شد.

بعد از پیروزی انقلاب نیز از سوی حضرت امام به عنوان امام جمعه تبریز انتخاب گردید و اولین نماز جمعه تاریخی خود را در ۲۳ ماه مبارک رمضان ۱۳۹۹ مطابق با ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ در روز جهانی قدس با سیل عظیمی از مردم در تبریز برگزار نمود که واقعاً یک نماز جمعه استثنایی، تاریخی و دارای خصوصیات ویژه‌ای بود. نماز عبادی سیاسی در ماه مبارک رمضان، روز جمعه، روز قدس، با انبوه عظیم جمعیت، توأم با شور و احساسات سرشار انقلابی!! واقعاً نماز جمعه استثنایی و تاریخی بود. من شخصاً در آن نماز جمعه حضور داشتم و خاطرات فراوان و فراموش نشدنی از آن نماز به یاد دارم.

سرانجام، این مجاهد بزرگ در ماه ذی‌الحجه سال ۱۳۹۹ در پایان قرن ۱۴ هجری قمری مطابق با ۱۰ آبان سال ۱۳۵۸ هجری شمسی، در ۶۵ سالگی به فیض عظمای شهادت نایل آمد و در روز عید قربان در راه اسلام و انقلاب اسلامی قربانی شد و در جرگه شهدای فضیلت قرار گرفت و مصداق « خاتمه مسک » گردید که « عاش مجاهداً و مات شهیداً ».

شهید قاضی طباطبایی در سال ۱۳۰۹ با دختر عموی خود آیت‌الله حاج میرزا اسدالله قاضی ازدواج نمود و ثمره این ازدواج پرمیمت ۵ اولاد شایسته یعنی ۴ پسر و یک دختر بوده است که همگان اهل تقوا و دیانت هستند و در میان مردم از جاهت و احترام

تعلیقات ایشان از پرمحتواترین و ارزشمندترین و در عین حال مظلوم‌ترین، کمیاب‌ترین و گمنام‌ترین تعلیقاتند و نکاتی بسیار مهم، دقیق، ظریف و مورد نیاز روز در آنها نهفته است و مقام برجسته علمی علامه شهید قاضی طباطبایی، افکار، اندیشه‌ها، دغدغه‌ها و دیدگاه‌های او را در مسائل و موضوعات مختلف به وضوح نشان می‌دهد.

دامنه. گرچه قلم علم و عمل نیز خود بسیار وسیع و مراتب است، ولی شهید قاضی در هر دو عرصه، مراتب و کمالات عالی را پیموده و با شهادت خود آن را به اوج کمال رسانده است. شهید قاضی طباطبایی یک عالم تک بعدی نیست که فقط درس خوانده و ملا شده باشد، بلکه ذوفنون و ذوابعاد است. گوهر شخصیت او دو رویه است. یک روی آن: «علم، فضیلت، فقاقت، فلسفه، حکمت، فکر، اندیشه، قلم و بیان» است و روی دیگر آن: «ایمان، اعتقاد، اخلاص، عمل، تقوا، خودسازی، ادب، وارستگی، آراستگی، فضائل اخلاقی و انسانی»، یعنی او علم و عمل و فضل و فضیلت را در آمیخته و در خود مجسم ساخته و این دو در جمع،



فکر سلیم و راه مستقیم، پرهیزگار، محقق و علامه مدقق بود (۴۳)، (مدقق، مورد وثوق و اعتماد است) (۴۴)، عالم عامل و فاضل کامل و صاحب نیروی فکری قویم و سلیقه راست و استوار است (۴۵) دارای اندیشه تابناک و نظرات راست و درست، محقق و مدقق، است (۴۶)، صفوه العلماء الراشدین (۴۷)، یکی از فقهای وارسته، عالمی توانا، نویسنده پرکار، واعظی توانمند بود. مقالات ارزنده او زینت بخش مطبوعات کشور و مجلات عالم اسلام بود (۴۸)، سید جلیل، عالم نبیل فجر الاعلام و المحققین (۴۹)، برخوردار از وسعت معلومات و اطلاعات (۵۰) و دارای فکر عمیق صاحب تحقیق (۵۱) و از همه مهم‌تر اینکه صاحب قلم رسا و شیواست (۵۲) علامه حبر، متبحر، فهامه، افتخار

نیز از قبیل اساتید بزرگ و بلند پایه حوزه‌های مختلف علمی و حلقات متنوع درسی برای او فراهم بود و کتاب و کتابخانه مجهز هم کاملاً در اختیارش بود. استفاده کامل و بهینه از این شرایط، همراه با موهبت‌های الهی از خصوصیات روحی این شهید بزرگوار بود و نتیجه همه این عوامل و شرایط نیز به‌طور طبیعی، نیل و ارتقا به مراتب و کمالات عالیه علمی است.

۸. معیار مهم دیگر برای ارزیابی مقام شهید قاضی، نظرات و شهادت‌ها علما، مراجع و شخصیت‌های بزرگ

و باتقوای علمی و فقهی در مقام علمی این عالم بزرگ است که در این مجال اندک امکان بیان همه آنها نیست و بدین جهت من از لابلای همه این گفته‌ها، نوشته‌ها و نظرات فقط به نقل برخی از کلمات، عناوین و عبارات آنان که در توصیف متون اجازات و تفاریض آمده است اکتفا می‌کنم مانند: «محقق (۲۱)، تحریر (۲۲)، حبر (۲۳)، نبیل (۲۴)، آیت‌الله الحجه (۲۵)، علامه و علامه شریف (۲۶) و مجتهد (۲۷) به مقام رفیع و ارجمندی در اجتهاد و استنباط فائزه شده (۲۸) دارای مراتب سامیه و مدارج عالیه از فضل و کمال (۲۹) حائز به مقام شامخ علمی (۳۰) - ستاد العلماء، ذخر الاعلام و از خانواده علم، جلالت و اصالت، (۳۱) گل پر عطری که باید از عطرش (علمش) استفاده شود (۳۲) یکی از چهره‌های برجسته علمی و قلمی است (۳۳) تبحر خاصی در قلم فارسی و قلم بسیار عالی در عربی دارد و دارای کتاب‌ها و آثار قلمی متعدد و از همه مهم‌تر بسیار مؤدب است (۳۴) السید العالم و الفاضل المؤید الهام عمده العلماء العالمین (۳۵) کوشش شایسته در تحصیل علم و کمال داشت و به درجه اجتهاد نایل گردید (۳۶) عالم عامل (۳۷)، فاضل کامل (۳۸)، متتبع بینا (۳۹)، ناقد خبیر (۴۰)، جامع علم و ورع و اجتهاد (۴۱) یکی از علمای اعلام و مجتهدات بزرگ (۴۲) صاحب



(قدس سره) که همه آنها با متون و عبارات ارجداری در مورد این بزرگوار صادر شده است. در این اجازات، شخصیت‌های بزرگ علمی و فقهی همچون علامه کاشف الغطاء، علامه حاج آقا بزرگ تهرانی، علامه طباطبائی و آیات عظام: حکیم، خوئی، کوه کمری، میلانی، نجفی مرعشی، گلپایگانی، شاهرودی، بجنوردی و صاحب نظرات دیگر به مقام بلند علمی و فقهی و بر اجتهاد این شهید بزرگوار شهادت داده‌اند.

۴. کتابخانه، سرمایه و خزانه علمی یک عالم و دانشمند است. داشتن کتابخانه عظیم، غنی، قوی و دارای کتاب‌های خطی و منحصراً به فرد و کتب کمیاب و نایاب، مهم‌ترین ابزار پیشرفت علمی، مطالعاتی و تحقیقاتی یک دانشمند و از بزرگ‌ترین نشانه‌های مقام علمی و عشق او به علم و کمال است که: «قدر زر زرگر بداند و قدر گوهر گوهری!» و شهید قاضی طباطبائی چنین بود و از چنین کتابخانه وزین و غنی و نشان علمی برخوردار بود.

۵. کتب، تحقیقات، تالیفات، مقالات و آثار فراوان علمی و قلمی، آن هم در رشته‌ها و موضوعات متنوع علمی، فقهی، کلامی، اخلاقی و موضوعات مختلف دیگر با قلم شیوا، زیبا، متین و روان فارسی و عربی که تعداد آنها به بیش از ۶۰ اثر بالغ می‌گردد، از نشانه‌های روشن مقام علمی، فکری و قلمی این شهید بزرگوار است که کمتر کسی مخصوصاً در قلم شیوا و اعجازانگیز عربی به پای او می‌رسد!

۶. نظریات و دیدگاه‌های علمی، فقهی کلامی و فلسفی این شهید بزرگوار، دقت نظر، موشکافی، باریک‌بینی و ابتکارات فکری او در این امور و مسائل، اوج قدرت علمی و فکری و عمق درک و فهم او را از مسائل مختلف علمی، سیاسی و اجتماعی را نشان می‌دهد.

۷. برخوردار از قدرت فهم، ذوق و استعداد سرشار ذاتی، خانوادگی و شرایط و زمینه‌های اشراق علمی، صفای دل، جذبات روحی، عشق و علاقه به فیوضات و کمالات، کوشش‌ها و تلاش‌های مداوم رنج‌های فراوان در راه کسب علم و کمال و همه زمینه‌ها و شرایط پیشرفت‌های علمی از موهبت‌های الهی برای این شهید بزرگوار بود. به عبارت دیگر، مقام علمی او، هم «ذاتی» است بدین معنا که از هوش، ذکاوت و استعداد ذاتی او می‌جوشد، هم «موروثی» است که از شرایط خانوادگی و ژنتیکی او ناشی می‌شود، هم «اعطائی و اشراقی» است که از تقوا، صفای دل و نورانیت باطن او سرچشمه می‌گیرد که «العلم نور یقذقه الله فی قلب من یشاء» و هم «اکتسابی» است که از کوشش و تلاش بی‌وقفه او حاصل می‌شود. علاوه بر همه اینها ابزار، شرایط و زمینه‌های طبیعی دیگری

او علاوه بر مقامات علمی و خدمات دینی، پناهگاه عموم مردم، نیازمندان و دردمندان بود و در تقوا، ورع، اخلاق عالیه انسانی، سلامت نفس و لطافت طبع، شهرت به سزا داشت. خوش‌مشرب و مجلس‌آرا و دارای تألیفات زیاد بود.

علما و عماد فقها (۵۳) در علم، تقوا و اجتهاد برتر و فوق‌العاده (۵۴)، آگاه، علامه و مایه فخر هر عمامه به سری (۵۵)، عالم بافضیلت، فاضل پاک، باتقوا، مخلص، محدث موثق و مورد اعتماد، دانشمند شریف و نجیب، سند معتبر علمی، جامع فضل‌ها و فضیلت‌ها، حامل علوم عقلی و نقلی، دارای احاطه علمی بر اصول و فروع، برگزیده فضلا و نخبگان، رکن فقها (۵۶)، سید العلماء الاعلام و ملجأ الانام (۵۷).

از این گونه عناوین، کلمات و عبارتی که به وسیله شخصیت‌های علمی و فقهی، فقها و مراجع بزرگ



فضیلت می‌خواست؛ به همین جهت با آن اطلاعات وسیع و معلومات جامع و تحقیقات عمیق و قلم شیوا و رسائی که داشت، می‌توانست کتاب‌های مستقل زیادی را به نام خود تالیف و منتشر کند و استفاده‌های مادی و معنوی زیادی از آنها ببرد و شهرت علمی و مقام اجتماعی فزون‌تری کسب کند، ولی قلمش و علمش در خدمت خودش نبود، بلکه در خدمت اسلام و خدمتگزاران اسلام بود و همه زحمات، مشقات و تحقیقات توان فرسای خود را به پای آنها می‌ریخت و تقدیم آنها می‌نمود.

وی با تعلیق زدن، حاشیه زدن و پاورقی و مقدمه و موخره نوشتن به احیای کتب گرانسنگ علمای بزرگ که در معرض زوال بودند، می‌پرداخت و با تصحیح و اصلاح، ذخایر علمی و میراث فرهنگی گذشتگان صالح را احیا می‌کرد و به جریان چرخه علمی و بهره برداری وارد می‌ساخت. او کتاب‌هایی را احیا و منتشر کرد که بدون تلاش او، اسم و رسمی از آنها در عرصه علم و فرهنگ باقی نمی‌ماند، زیرا کسی در فکر اصلاح و احیای آنها نبود.

او در فکر خود و مقام خود نبود و تبلیغ نفس نمی‌کرد. او می‌خواست کاشف الغطاها را احیا کند و زنده نگه دارد، از آثار گذشتگان شبه‌زدائی کند و گرد و غبار دروغ تحریف و خرافات را از چهره آنها برگیرد، نه برای آنکه خود جلوه کند؛ هرچند به طور مستقل و به نام خود، کتاب وزین «اربعین» را دارد که آن هم در جهت رفع اشکالات تحریفات و اشتباهاتی بود که در برخی از کتب علمای گذشته دیده بود و نه برای ارضای نفس خود یا شهرت. این اخلاص علمی در همه آثار او به‌وضوح نمایان است و نظیر او کمتر یافت می‌شود که با داشتن آن همه اطلاعات وسیع و قلم شیوا و تحمل آن همه مشقات تحقیقات، نه برای خود و به نام خود، بلکه به نام دیگران و احیای آثار دیگران کار و کوشش کند. باید در پیشگاه چنین عالم با اخلاص، زحمتکش و خدمتگزار، عرض ادب نمود و به نام او و به پاس خدمات عالمانه و خالصانه او، باشکوه‌ترین همایش‌های تجلیل، تکریم و قدردانی را به پا داشت.

۶. وی آگاه به زمان و با نیازها و مشکلات جوامع اسلامی آشنا بود در تحقیقات و نوشته‌هایش به دنبال مسائل روز و رفع نیازها و حل مشکلات و اصلاح ناهنجاری‌ها بود و انگشت روی دردهای اصلی و نقاط حساس می‌گذاشت و به درمان آنها می‌پرداخت. در بحث و ویژگی‌های قلم به این موضوع خواهیم پرداخت.

۷. مهم‌ترین امتیاز و ویژگی این عالم با اخلاص و برجسته و این شهید بزرگوار، قلم شیوا، سحرآمیز و اعجاب‌انگیز اوست. برای تجلیل از قلم او فصل مستقلی را می‌گشایم.

قلم شیوای شهید قاضی و ویژگی‌های آن

او یک عالم و دانشمند معمولی که صرفاً حامل علم باشد، نبود، بلکه عالم عامل بود. عالم دارای حرف و سخن بود، عالم صاحب فکر، اندیشه و قلم بود آن هم قلمی شیوا و استثنائی، قلم روز و قوی، قلم رسا و گویا، قلم سحرآمیز و اعجاب‌انگیز، قلم شیرین‌تر از عسل، نرم‌تر از زبد و برنده‌تر از شمشیر، قلمی که هر جا، کجی انحراف، تحریف، جعل، دروغ، تعصبات کورکورانه و اتهامات و خرافات می‌دید، از شدت تاسف و تأثر می‌گریست تا آنها را بشوید و بزداید. از نوک قلمش آتش می‌ریخت تا هر چه تحریف، دروغ و تهمت است بسوزاند. همه این حالات اعجاب‌انگیز در قلم او نمایان

کتب، تحقیقات، تالیفات، مقالات و آثار فراوان علمی و قلمی، آن هم در رشته‌ها و موضوعات متنوع علمی، فقهی، کلامی، اخلاقی و موضوعات مختلف دیگر با قلم شیوا، زیبا، متین و روان فارسی و عربی که تعداد آنها به بیش از ۶۰ اثر بالغ می‌گردد، از نشانه‌های روشن مقام علمی، فکری و قلمی این شهید بزرگوار است که کمتر کسی مخصوصاً در قلم شیوا و اعجاز‌انگیز عربی به پای او می‌رسد!

عموم جوامع اسلامی منتشر می‌ساخت و بعد از خود نیز برای آیندگان به یادگار گذاشت.

۴. به معلومات و اطلاعات خود سخت معتقد و پای‌بند بود، زیرا آنها را با رنج و مشقات و با فکر و اندیشه و با تحقیقات عمیق و مطالعات جامع و فراگیر به دست آورده بود، لذا به صحت، سلامت، درستی و حقانیت آنها ایمان کامل داشت و خود در زندگی بدان‌ها عمل می‌کرد. وی با بیان و قلم شیوا و رسای خود و با منطق و استدلال، آنها را به اثبات می‌رساند و نشر و رواج می‌داد و به دیگران منتقل می‌ساخت. در پای معلومات و معتقدات خود محکم می‌ایستاد و از آنها دفاع می‌کرد. نسبت به جعل، دروغ، خرافات و تحریف حقایق و واقعیت‌ها حساسیت شدیدی داشت و برمی‌آشف و با شجاعت، صراحت و قاطعیت و با برهان و منطق و با اطلاعات وسیع و قلم شیوا، رسا و آتشی که داشت به مبارزه بی‌امان با آنها برمی‌خاست. از جعلیات، اکاذیب، تحریفات، انحرافات، موهومات و خرافات پرده برمی‌داشت و آنها را رسوا و برملا می‌ساخت و در این زمینه آثار قلمی فراوان دارد.

۵. از اخلاص علمی بالایی برخوردار بود. علمش و قلمش بر پایه اخلاص استوار بود. علم را صرفاً برای علم و یا برای خود و برای شهرت، مقام و منال نمی‌خواست، بلکه علم را برای اسلام، برای عالمان و محققان و در خدمت آنان و در راه حق، حقیقت و



و آیات عظام و اسوه‌های علم و عمل در مورد مقام علمی، فکری و قلمی این شهید بزرگوار به مناسبت‌های مختلف صادر شده، آن قدر فراوان و زیاد و در عین حال قوی و پرمحتواست که اگر جمع‌آوری شود، شاید به بیش از ۱۰۰ عنوان بالغ گردد که از قلم مبارک این بزرگان علم در توصیف و ترسیم شخصیت علمی شهید قاضی طباطبائی به یادگار مانده است و در راس همه آنها سخن زیبا و قاطع و در عین حال کوتاه حضرت امام (ره) قرار دارد که بارها ایشان را در نامه‌های خود با عنوان سیدالاعلام و ملج‌الانام (۵۸) توصیف و تمجید نموده‌اند. همه اینها به عنوان شهادت و نظرات صاحب‌نظران عالم و عادل، اسناد معتبر و برای ماحجت و برهان قاطع هستند.

آنچه در این بخش به عنوان اسناد و نشانه‌های مقام علمی شهید قاضی در هشت عنوان فهرست‌وار گفته شد، هر کدام به تنهایی می‌تواند عمق و بلندی علمی این شهید و الامقام را برای ما به روشنی نشان دهد، ولی هر کدام از آنها احتیاج به شرح، توضیح و تحلیل بیشتری دارد که ما در اینجا جهت اختصار فقط موضوعات را دسته‌بندی و به ذکر عناوین و کلیات اکتفا می‌کنیم و شرح و تفصیل آنها را به مجال دیگر و به محققان دگر وامی‌گذاریم.

ویژگی‌ها و خصوصیات علمی شهید قاضی طباطبائی

مقام علمی علامه شهید قاضی طباطبائی علاوه بر عمق و بلندی آن، از امتیازات و ویژگی‌های خاصی برخوردار است که او را از بسیاری از عالمان و دانشمندان، متمایز می‌سازد. این خود نکته مهمی است که تبیین آن را گرچه به‌طور گذرا ضروری می‌سازد، زیرا کمتر بدانها پرداخته شده است.

۱. اطلاعات علمی این مرد علم و تحقیق، صرفاً طولی و یا صوری نیست، بلکه از عمق فراوانی برخوردار و بر فکر و اندیشه سلیم و قوی و بر مطالعات و تحقیقات وسیع و دقیق استوار است. این علم در یک و یا دو رشته علمی رایج در حوزه‌های علمیه متوقف نمی‌شود، بلکه از وسعت، گستره و تنوع زیادی برخوردار است. او عالم ذوفنون بود در علوم متنوع و رشته‌های مختلف علمی تبحر داشت: فقه، اصول، فلسفه، کلام، عرفان، ادبیات، رجال، تراجم، انساب، تاریخ، علوم قرآنی، علوم حدیث و درایت، شعر و ادب، کتابداری، و کتاب‌شناسی. وی در همه این زمینه‌ها مطالعات وسیع و تحقیقات عمیق داشت که آثار و نشانه‌های همه آنها در نوشته‌های آن مرد بزرگ کاملاً متجلی و نمایان است.

۲. علم او صرف علم و دانستن نبود، بلکه توأم با خوب دانستن، عمیق فکر کردن، دقیق فهمیدن، باریک‌بینی و نکته‌سنجی، توأم با قرائت خوب، برداشت خوب، به کارگیری خوب و مناسب بود و معلومات خود را به روز می‌کرد و منطبق با شرایط و نیازهای روز عرصه می‌داشت و فکر و اندیشه عمیق، ناب و سالمی در پشت معلومات و اطلاعاتش قرار داشت.

۳. تنها یک سلسله اطلاعات و انباشته در مغز او نبود که با خود او نیز مدفون شود، بلکه وی به معلومات خود عینیت می‌بخشید و ماندگارشان می‌ساخت. وی با قلم شیوای فارسی و نگارش سحرآمیز عربی خود، مواد خام معلوماتش را به مواد مفید مصرفی تبدیل و به جامعه تزریق می‌کرد و علوم، افکار و اندیشه‌های ناب و سالم خود را در سطح جهان اسلام تا حوزه‌های علمیه و در میان دانشمندان، اندیشمندان و محققان و



اگر احساس می‌کرد سئوالات و اشکالاتی در جامعه و در میان مردم و جوانان مطرح است، به پاسخ آنها می‌پرداخت و شبهات را رفع می‌کرد مانند کتاب‌های «اجوبه الشبهات الواعیه» و «ملحقات انیس الموحدین» و امثال آنها. هر مسئله مورد اختلافی را می‌دید که تحقیق در مورد آن و کشف حقیقت آن ضرورت داشت و کسی بدان نمی‌پرداخت، این مسئولیت را بر دوش می‌کشید مانند کتاب وزین و قطور «اربعین» و مسایل زیادی که در لابلای آن، بدانها پرداخته است.

سومین نکته مهم و قابل توجه در نوشته‌ها و آثار قلمی این شهید بزرگوار، توجه و حساسیت به جعل، تحریف و وارد کردن اخبار و داستان‌های دروغ و خرافی به اسلام، جمود، تحجر، قشرگرایی، اخبارگری، اتهامات مذهبی، شبهه‌افکنی، اختلاف‌افکنی در اسلام بود که بسیار از آنها رنج می‌برد و در هر جا و در هر کتاب و نوشته‌ای با این گونه مسائل روبرو می‌شد، سخت برمی‌آشفته، شمشیر قلم به دست می‌گرفت، به مبارزه و مقابله با آنها برمی‌خاست، به سئوالات، اشکالات و شبهات پاسخ می‌داد، به شبهه‌زدائی، تحریف زدائی، جعل، دروغ و خرافات زدائی و به‌طور کلی به لکه‌زدائی از چهره اسلام و تشیع می‌پرداخت، با تحقیقات بسیار عمیق و طولانی، پرده از روی حقایق برمی‌داشت، چهره آنها را نمایان می‌ساخت و جعلان، تحریف‌گران و دروغ‌پردازان را رسوا و برملا می‌ساخت. بسیاری از نوشته‌ها و آثار قلمی این شهید بزرگوار و عالم باوقار مخصوصاً تعلیقاتش به این گونه موضوعات اختصاص دارد زیرا بزرگ‌ترین مشکل امت اسلامی و سنگین‌ترین آفت اسلام را در این گونه مسائل و امور می‌دید، بدین جهت به اصلاح آنها و مبارزه با آنها قیام می‌کرد. نسبت به این گونه مسائل و ناهنجاری‌های اعتقادی، علمی و فرهنگی، حساسیت شدیدی داشت و برای مبارزه با آنها از نظر علمی، قلمی و اطلاعاتی از آمادگی کامل برخوردار بود. در این عرصه، هم فعال بود و هم موفق و این روش یعنی مبارزه با خرافات، تحریفات، جعلیات، اتهامات و اختلافات مذهبی یکی از برجسته‌ترین خصوصیات و ویژگی‌های علمی و قلمی او بود.

متأسفانه در عرصه مبارزه، ما او را تنها یک مبارز سیاسی می‌شناسیم، در صورتی که او بسی بیش از آنکه مبارز سیاسی باشد، مبارز علمی و قلمی است و پیش



باشند، ولی صاحب قلم بودن و معلومات و انباشته‌های ذهنی خود را با عبارات فصیح و رسا و با قلم شیوا نوشتن، چیز دیگری است، یک علم و بلکه هنر دیگری است و شایسته تقدیر و تجلیل فراوان، ولی بسیار کمیاب است و کار همگان نیست. موهبت الهی و نعمت خدادادی است.

سپس تعیین مصداق می‌کنند و خطاب به

شهید قاضی می‌گویند: «این قریحه و این سبک نوشته‌های فضیلت‌آمیز حضرت عالی مورد اعجاب است و این فضلی است از جانب خدا که به هر کسی که بخواهد عطا می‌کند.»

و سپس اضافه می‌کنند: «این موضوع را در جلسه‌ای خصوصی با آیت‌الله کاشف‌الغطا در میان گذاشتم و ایشان تصدیق نمود.» (۵۹)

از این سخن چنین استفاده می‌شود که موضوع صحبت و مذاکره در جلسه خصوصی این دو آیت‌الله، قلم شیوا توأم با علم و فضیلت شهید قاضی و کتاب جنه‌المآوی کاشف‌الغطاء بوده است که با قلم زیبا و شیوایی این شهید بزرگوار تنظیم، تکمیل، احیا و منتشر شده است. در مورد زیبایی، سلامت و شیوایی قلم شهید قاضی و وزانت، متانت و ارزش علمی نوشته‌های او و توصیف و تمجید از قلم و آثار قلمی این بزرگوار، صاحب‌نظران، قلم‌شناسان، کتاب‌شناسان و بزرگان قلم و ادب سخنان فراوان و ارزشمندی گفته‌اند که ذکر همه آنها حجم مقاله را سنگین می‌کند و از ظرفیت آن خارج است؛ بدین جهت من در اینجا به عنوان نمونه به همان سخن پر ارج و پر معنای آیت‌الله‌العظمی میلانی اکتفا می‌کنم و به نکته مهم دیگری در ارزش قلم و آثار قلمی شهید قاضی طباطبائی می‌پردازم.

این شهید بزرگوار، عالم و آگاه به زمان بود، نیازهای جامعه اسلامی را خوب می‌شناخت، در تحقیقات علمی و آثار قلمی خود، اهداف خاص و بلندی را دنبال و خلاها را پر و نیازها را برطرف می‌کرد و به ضرورت‌ها را پاسخ می‌گفت. آثار قلمی او تکرار نوشته‌های دیگران نبود، بلکه اصلاح و تصحیح نوشته‌های آنان و رفع نواقص و اشکالات بود. هر کتاب و اثر علمی وزین و ارزشمندی را از ذخائر و میراث گذشتگان می‌دید که کمیاب و در معرض زوال است، با اصلاح و تصحیح و تکمیل به احیا و نشر آن می‌پرداخت مانند کتاب‌های «اللوامع‌الانتهیه - آداب‌النفس» و امثال آن و یا هر کتابی را خوب و ارزشمندی را می‌یافت که اشکالات و نواقصی در آن وجود داشت با پاورقی زدن، به تصحیح و اصلاح آن می‌پرداخت و رفع اشکال و آن را منتشر می‌کرد، مانند «انوار‌النعمانیه» و امثال آن. وی هر کتاب و نوشته‌ای را ارزشمند و یا در مسیر وحدت اسلامی و مصالح جهان اسلام و پاسخ‌گوی نیازهای روز امت اسلامی می‌دید، به تنظیم، تکمیل و نشر آنها می‌پرداخت مانند کتاب‌ها و نوشته‌های استاد و مرشد محبوبش آیت‌الله شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء یعنی «فردوس‌الاعلی و جنه‌المآوی» و امثال آن.



است. قلم او از ویژگی‌ها و امتیازات او بود و او را از بسیاری از عالمان و دانشمندان متمایز می‌ساخت. قلمی دو زبانه: فارسی و عربی که در هر دو عرصه، شیوا، زیبا، ساده و روان بود، ولی قلم عربی او چیز دیگری است و از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. این قلم واقعا سحرآمیز است و هر انسان صاحب‌نظری را به وجد می‌آورد و به شگفتی و تحسین واد می‌دارد، به طوری که قلم بسیاری از نویسندگان عرب زبان نیز به پای آن نمی‌رسد. قلمی است سلیس، روان، ادیبانه و دارای سوز و گداز که از دل برمی‌خیزد و بر دل می‌نشیند. قلمی است که استدلال را با حماسه، اندیشه را با احساس درمی‌آمیزد و این خود هنر بزرگی است که شهید قاضی از این هنر در حد اعلا برخوردار بود. بسیاری از عالمان و دانشمندان که مغزشان مالمال از علم و فضیلت است و مردان علم و عملند، ولی از نشر و بروز آن، عاجزند و یا توان محدودی دارند و نمی‌توانند در حد وسیعی اثرگذار باشند. عده‌ای از علما و دانشمندان هم فقط از طریق تدریس و بیان که شعاع برد آن طبیعتا محدود است، می‌توانند ناشر علم و فضیلت باشند، ولی عالمان صاحب فکر، اندیشه

باید آثار علمی، فکری و قلمی علامه شهید قاضی طباطبائی بازبایی، سامان‌دهی، دسته‌بندی و موضوع‌بندی و از این حالت پراکندگی و کمیابی خارج و به صورت مجموعه‌ای واحد و یا چند جلدی به دو زبان فارسی و عربی چاپ و منتشر شوند و در دسترس همگان قرار گیرند تا هم مقام علمی، فکری و ارزش قلمی وی برای عموم روشن گردد.

و قلم، آن هم قلم سیال و جوال دوزبانه، اندکند، از نوادر و نخبگانند، تحول‌آفرین و اثرگذارند، جاودانه و ماندگارند و آثار آنها تا قیامت باقی است و شهید قاضی طباطبائی یکی از این عالمان و دانشمندان و بلکه از بارزترین آنهاست.

این حقیقت را از زبان و قلم آیت‌الله‌العظمی میلانی بشنویم که در تجلیل از قلم و نوشته‌های این شهید بزرگوار اظهاراتی دارند که مضمون آن چنین است: «وسعت اطلاعات و معلومات یک عالم، ذوالعلوم و ذوالفنون بودن و حتی اهل تحقیق و اهل فکر و اندیشه بودن او یک چیز است که شاید خیلی‌ها داشته



از اینکه مجاهد عرصه سیاست باشد، مجاهد عرصه فکر، اندیشه و قلم است. و در این عرصه کارهای ارزنده‌ای را انجام داده و آثار فراوانی را خلق کرده است و هرچه در این باره گفته شود کم است و حق او ادا نمی‌شود. به نظر من حق او در صورتی ادا می‌شود و روح این شهید بزرگوار در صورتی شاد و از ما راضی خواهد بود که مبارزات و مجاهدات علمی و قلمی او را زنده نگه داریم و همه نوشته‌ها، پاورقی‌ها، تعلیقات و تحقیقات این عالم مجاهد در مبارزه با تحریفات، خرافات، جعلیات، اتهامات و اختلافات مذهبی و امثال آنها را تحت یک عنوان واحد در مجموعه‌ای مستقل، سامان‌دهی، جمع‌آوری و منتشر سازیم، ولی متأسفانه تحقیقات، نوشته‌ها و نظرات علمی او به صورت متفرقه و پراکنده در تعلیقات و پاورقی‌های کتاب‌های مختلفی که بعضی از آنها کمیاب و یا نایابند و در دسترس عموم نیستند، گم شده و ناشناخته مانده‌اند.

من لازم می‌دانم و پیشنهاد می‌کنم و بر آن تاکید می‌ورزم که آثار علمی، فکری و قلمی علامه شهید قاضی طباطبائی بازیابی، سامان‌دهی، دسته‌بندی و موضوع‌بندی و از این حالت پراکندگی و کمیابی خارج و به صورت مجموعه‌ای واحد و یا چند جلدی به دو زبان فارسی و عربی چاپ و منتشر شوند و در دسترس همگان قرار گیرند تا هم مقام علمی، فکری و ارزش قلمی وی برای عموم روشن گردد و هم همگان در سطح جهان اسلام بتوانند از افکار و نظرات این محقق برجسته، خوش‌فکر و خوش‌قلم استفاده کنند. او برای خود کار نکرد و به نام خود و برای شهرت و آوازه خود ننوشت، بلکه برای اسلام و به نام علمای بزرگ اسلام و در جهت احیای ذخائر علمی و میراث فرهنگی گذشتگان صالح کار کرد و قلم زد و ما نیز موظفیم در برابر اخلاص و فداکاری او و برای زنده ماندن نام و یادش و نشر افکار و ترویج اهداف علمی وی کار کنیم. نام، یاد، خاطرات، افکار و اندیشه‌های آن عالم بااخلاص و مجاهد و شهید والامقام را نه تنها

بعد از پیروزی انقلاب از سوی حضرت اسام به عنوان امام جمعه تبریز انتخاب گردید و اولین نماز جمعه تاریخی خود را در ۲۳ ماه مبارک رمضان ۱۳۹۹ مطابق با ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ در روز جهانی قدس با سیل عظیمی از مردم در تبریز برگزار نمود که واقعا یک نماز جمعه استثنایی، تاریخی و دارای خصوصیات ویژه‌ای بود.

باید در بعد سیاسی، بلکه باید در بعد علمی و فرهنگی نیز احیا، جاودانه، فراگیر و همگانی سازیم، زیرا احیا و زنده نگهداشتن نام او و نشر افکار و اندیشه‌های او همان احیای اسلام و نشر اسلام و خدمت به اسلام است.

بر اساس همین ضرورت است که نگارنده این کار مهم را از همین جا شروع و پیشنهادی را که مطرح کردم، خود آغاز می‌کنم و نمونه‌ای را ارائه می‌دهم و در ارائه نمونه از تعلیقات متین «انوار نعمانیه» شروع می‌کنم و به تحلیل و تبیین آنها می‌پردازم. این تعلیقات به نظر نگارنده از پرمحتواترین و ارزشمندترین و در عین حال مظلوم‌ترین، کمیاب‌ترین و گمنام‌ترین تعلیقاتند و

نکاتی بسیار مهم، دقیق، ظریف و مورد نیاز روز در آنها نهفته است و مقام برجسته علمی علامه شهید قاضی طباطبائی، افکار، اندیشه‌ها، دغدغه‌ها و دیدگاه‌های او را در مسائل و موضوعات مختلف به‌وضوح نشان می‌دهد و جایگاه و شخصیت علمی وی را که موضوع بحث ما است، به عنوان یک نمونه بارز و روشن برای ما ترسیم می‌کند. امید است این طرح، القای فکر جدید، ارائه روش نو و فتح‌البابی در اجرای یک طرح جامع در معرفی و نشر آثار علمی و قلمی این شهید والامقام باشد. ان‌شاء‌الله.

۱. منظور، سوره کوثر است، زیرا بنا به بعضی از تفاسیر منظور از کوثر در این سوره کثرت اولاد رسول خدا(ص) از طریق تنها دخترش حضرت زهراست. خاندان قاضی از مصادیق بارز، درخشان، شایسته و شناخته شده نسل رسول خدا از طریق حضرت زهرا هستند که از طریق پدر و مادر به آن بزرگوار منتسبند.

۲. خاندان آل عبدالوهاب از نوشته‌های خطی شهید قاضی.
۳. ریاض‌العلماء: ۲۸۷/۳
۴. تاریخ حبیب‌السیر: ۶۰۸/۷
۵. کتاب رجال حبیب‌السیر: ۲۴۹
۶. ریاض‌العلماء: ۲۸۹/۳
۷. الذریعه: ۴/۲۵، ا، ردیف: ۵۷۲
۸. شهیدان راه فضیلت: ۲۲۵
۹. طبقات اعلام‌الشیعه، کرام‌البره: ۲۲۸/۱
۱۰. اعلام‌الشیعه - کرام‌البره ۴۸۷/۱
۱۱. مقدمه انیس‌الموحدین. ص ۸- کتاب استاد کل وحید بهبهانی. نوشته علی دوانی، صفحات ۲۲۸-۲۳۱ و ۲۵۳ و ۳۰۰.
۱۲. کتاب شهیدان راه فضیلت، ۴۲۳

۱۳. انیس‌الموحدین: صفحات ۸ تا ۱۵ - کتاب شهیدان راه فضیلت: ۴۲۲
۱۴. نقیاء‌البشیر: ۲۱۷/۱
۱۵. فهرست مشاهیر ایران: ۳۴۴/۲
۱۶. اعیان‌الشیعه: ۳۴۴/۲
۱۷. ریحانه‌الادب: ۴۰۴/۴
۱۸. بخش ضمایم اسناد، همین کتاب / صفحه ۱۴۳.
۱۹. مجله‌العرفان: ۱۱۹۷/۲۳
۲۰. توضیح این کلیات در بخش مقام علمی شهید قاضی خواهد آمد.
۲۱. عطائی خراسانی: مقدمه کتاب اربعین.
۲۲. عطائی خراسانی: مقدمه کتاب اربعین.
۲۳. عطائی خراسانی: مقدمه کتاب اربعین.
۲۴. عطائی خراسانی: مقدمه کتاب اربعین.
۲۵. مقدمه کتاب اربعین.
۲۶. آیات عظام حکیم، کاشف‌الغطاء، میلانی، حجت کوه‌کمری، سید محمد جواد طباطبائی، میرزا محمد طهرانی عسگری، شرف‌الدین عاملی.
۲۷. اجازه‌نامه آیات عظام سیدصدرالدین صدر و سید محمد جواد طباطبائی و مجله‌العرفان چاپ لبنان شماره ۳۳
۲۸. در اجازه‌نامه آیات عظام: حکیم و بجنوردی و حجت کوه‌کمری.
۲۹. در اجازه‌نامه آیت‌الله‌العظمی خوئی.
۳۰. در اجازه‌نامه آیت‌الله‌العظمی خوئی
۳۱. در اجازه‌نامه آیت‌الله نجفی.
۳۲. علامه کاشف‌الغطاء استاد و مرشد شهید قاضی.
۳۳. آیت‌الله موسوی اردبیلی.
۳۴. آیت‌الله موسوی اردبیلی.
۳۵. در اجازه‌نامه بانو نصرت امین، مجتهد اصفهانی.
۳۶. در اجازه‌نامه آیت‌الله‌العظمی حجت کوه‌کمری
۳۷. در اجازه‌نامه آیت‌الله‌العظمی سید صدرالدین.
۳۸. در اجازه‌نامه آیت‌الله‌العظمی سید صدرالدین.
۳۹. در اجازه‌نامه آیت‌الله‌العظمی سید صدرالدین.
۴۰. در اجازه‌نامه آیت‌الله‌العظمی سید صدرالدین.
۴۱. در اجازه‌نامه آیت‌الله‌العظمی علامه کاشف‌الغطاء
۴۲. در اجازه‌نامه آیت‌الله‌العظمی سید محمد جواد طباطبائی
۴۳. همان
۴۴. همان.
۴۵. در اجازه‌نامه آیت‌الله بجنوردی
۴۶. در اجازه‌نامه آیت‌الله بجنوردی
۴۷. در اجازه‌نامه آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی
۴۸. مفاخر آذربایجان ۸۰/۱-۳۷۹.
۴۹. اجازه‌نامه علامه سید محمد حسین طباطبائی.
۵۰. در نامه آیت‌الله‌العظمی میلانی به شهید قاضی.
۵۱. همان.
۵۲. همان
۵۳. آیت‌الله میزا محمد طهرانی عسگری از علمای بنام سامرا.
۵۴. علامه کاشف‌الغطاء
۵۵. اجازه‌نامه علامه شرف‌الدین عاملی.
۵۶. اجازه‌نامه آیت‌الله شیخ عبدالنبی عراقی.
۵۷. حضرت اما خمینی: صحیفه امام: ۱۲۸/۲، نامه مورخه ۱۳۴۶/۱/۲۶ در اجازه‌نامه امور حسبی و حکم وکالت و نمایندگی - ۴۵۴/۴ مورخ ۸۱۲۵۴/۲۰
۵۸. صحیفه امام: ۱۲۸/۲.
۵۹. آیت‌الله‌العظمی میلانی